

## جمهوری اسلامی را بخاطر زن ستیزی‌اش محکوم کنید!

صفحه ۴

## پشیمان از گذشته، نگران از آینده نسل جوان در ایران، ۲۰ سال پس از انقلاب ۵۷

صفحه ۴

## "معمای کلینتون"!

صفحه حزب

رویدادهای ایران

نیروز، اپوزیسیون را سانسور می‌کند

صفحه ۲

صفحه ۳

صفحه ۴

صفحه ۴

فاتح شیخ الاسلامی

## انقلاب شکست خورده، زنده باد انقلاب!

در آستانه انقلابی دیگر، انقلاب ۵۷ بیش از پیش شایسته تجلیل است

از مقابله ساکنان "خارج محدوده" با بولدوزرهای شهرداری شروع شد، در تظاهرات مردم شوریده بر استبداد و ساواک شدت و وسعت گرفت و با اعتصابات کارگری به اوج رسید، چنین بود انقلاب بزرگی که ۲۰ سال پیش رژیم شاه را عقب نشانده، فلج کرد و با قیام مسلحانه بزرگ کشید. هزاران بار این تاریخ واقعی را باید بازگو کرد. باید گفت که مردم اگر ابتدا به حساب بولدوزرهای رسیدند که خانه‌ها را بر سر کاسه بشقاب و رخت بچه‌هایشان خراب کردند، با گذشت فقط چند ماه، از پس تانک‌های برآمدند که برای کشتارشان راهی خیابانها کرده بودند. مردم جسورانه شوریده بودند و با هیچ ارعاب و کشتاری آرام نشدند. صبح روز پس از قتل عام ۱۷ شهریور، کارگران پالایشگاه تهران و خانواده‌هایشان دم در پالایشگاه چادر زدند و اعلام اعتصاب کردند. و اعتصاب سراسری کارگران نفت که گلوله رژیم شاه را فشرده برای همه آشناس. غول نیروی اجتماعی کارگر از بطری در آمده بود و هیچیک از مکانیسم‌های سرکوب و کشتار رژیم شاه جلودار آن نبود. امواج حرکت میلیونها انسان تشنه رهائی دریای انقلاب را خروشان و به اوج قیام رساند، اینها زنان و مردانی آرزومند آزادی، برابری، رفاه و زندگی مدرن و انسانی بودند و تنها چنین نیرویی قادر به درهم شکستن دیکتاتوری پلیسی - نظامی مقتدری بود که حامیان امپریالیست آن تا یکسال پیشتر، ایران را در سایه اش، "جزیره آرامش" میخواندند!

اما، طنز تاریخ! انقلابی که آن رژیم پوسیده را در قهر خود فرو پیچید، مآلاً مقهور ضعف تاریخی خود شد و بدست ارتجاعی بر مراتب پوسیده تر غرق خون گشت. در نبود حزب سیاسی، استقلال سیاسی و آلترناتیو آزادیخواهانه و برابری طلبانه طبقه کارگری که نیروی اصلی آن انقلاب بود، انقلاب به کمین بدترین سرنوشت ممکن افتاد. بخشی از اپوزیسیون ارتجاعی رژیم شاه، ارتجاع اسلامی از گور برخاسته، امکان یافت بر موج مبارزه مردم سوار شود و این نه از سر نفوذ سیاسی و معنوی آن بلکه از آن سر ممکن شد که در شرایط جهان دوقطبی و حساسیت فوق العاده غرب به احتمال روی کار آمدن یک حکومت چپی در ایران، جریان اسلامی تنها ماتریال دم دست غرب برای ترمیم رژیم از پا افتاده شاه و سد کردن انقلاب خروشان مردم بود. ارتجاع اسلامی، متکی بر میراث فرهنگی مثنوی روشنفکر اسلامزده که در ممنوعیت فعالیت کمونیستی و آزادیخواهانه فضا پیدا کرده بود و به مدد بیعت دو جریان سیاسی پوسیده جبهه ملی و توده با آن، توانست از تاییدات خداوند متعال امپریالیسم، صادره از کنفرانس گوادلوپ، برخوردار شود و ماموریت "سرکوب انقلاب بنام انقلاب" را دریافت کند. آخوندهایی که هویتزرها زیر بغلشان را گرفته بودند و رسانه‌هایی چون بی بی سی بیدریغ به کمکشان شتافته بودند، چهره مدرن و شاداب انقلاب را لجن "اسلامی" مالیدند تا تعلق آن به طبقه کارگر و مردم محروم جامعه را بپوشانند و با شمشیر اسلام بخون بکشانند.

باید گفت و نوشت و تصویر کرد که نخستین گلوله پاسداران اسلام به سینه کارگران انقلابی و کمونیستها نشست، نخستین زنجیر و شلاق و اسید لمپن‌های اسلامی بروی تجمع زنان انقلابی کشیده و پاشیده شد، نخستین غرش هوپا و خمپاره ارتش اسلامی شده علیه مردم انقلابی کردستان نازل شد. باید گفت که سرکوب انقلاب توسط ارتجاع اسلامی از روز اول به وحشیانه ترین شیوه‌ها صورت گرفت و جز این نمیتوانست باشد. باید گفت که از خمینی ابله‌ی که به روز کارگر دهن کجی کرد تا بنی صدر اکنون اپوزیسیونی که فرمایشات قصاب "شورا پورا مالیده" و "بند پوتینها را در نیاورید!" به نام بدنامی اش ثبت شده است، این دیناسورهای اسلامی، لجن ترین و لمپن ترین نمایندگان بورژوازی علیه انقلاب کارگران و مردم آزادیخواه بودند؛ اراذل و اوباشی که جز با کشتار و سرکوب عریان قادر نبودند قدرت را در دست خود نگهدارند.

### پیروزی انقلاب ۵۷ نباید کمرنگ شود

پیروزی انقلاب ۵۷ در بزرگ کشیدن رژیم شاه، پیروزی بزرگی برای مردم آزادیخواه، و شکست بعدی آن خسران بزرگی برای این مردم بود. نباید گذاشت که این شکست، اهمیت تاریخی آن پیروزی را کمرنگ کند. ادامه در صفحه ۲

## خرازی از فرانسه فرار کرد

سفر خاتمی را هم به افتضاحی دیگر برای رژیم جنایتکاران تبدیل میکنیم

بدنبال مبارزات و آکسیونهای گسترده حزب کمونیست کارگری و دیگر مخالفان رژیم اسلامی، اپوزیسیون آزادیخواه موفق شد کمال خرازی را با ناتمام گذاشتن سفرش، به فرار وادارد. وزیر خارجه رژیم اسلامی از بیم برخورد با تظاهرات مخالفان جمهوری اسلامی، بدون اطلاع دادن، از شرکت در یک اجتماع رسمی ازبیش برنامه ریزی شده امتناع کرد و زودتر از موعد مقرر، و مفتضحانه فرانسه را ترک کرد و دولت فرانسه، در سکوت و شرم، ناظر یک شکست بزرگ خود در پیشبرد سیاست تقویت جمهوری اسلامی شد.

سیاست حزب کمونیست کارگری ایران برای ممانعت از حضور عوامل رسمی و غیررسمی و ریز و درشت جمهوری اسلامی در خارج کشور، با فراری دادن وزیر خارجه آنها، وارد مرحله تازه‌ای می‌شود. از سرورش تا کمال خرازی، و از مهاجرانی تا فاتزه رفسنجانی، امروز دیگر همه، عزم حزب را برای پیشبرد عملی این سیاست درک و حقانیت و کارایی آن را مشاهده می‌کنند.

از نزدیک به ۲ ماه پیش، تمام احزاب، سندیکاها، انجمن‌ها و رسانه‌های مختلف فرانسه تعداد زیادی اطلاعاتیه و اعلامیه خبری، تحلیلی و سیاسی دریافت کردند. سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های فرانسه در اروپا، آمریکا، کانادا و استرالیا زیر رگبار فاکس‌های اعتراضی فعالین حزب قرار گرفتند. روز ورود کمال خرازی به فرانسه، بخش‌های مختلف تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری در مقابل سفارتها و کنسولگری‌های این کشور آکسیون‌های اعتراضی برپا کردند. و بالاخره، روز ۴شنبه ۲ فوریه، در همان ساعتی که کمال خرازی در کاخ الیزه به ملاقات ژاک شیراک، رئیس‌جمهور فرانسه، رفته بود، به فراخوان حزب کمونیست کارگری، در مقابل پارلمان فرانسه، فریادهای "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری" دهها کمونیست و مخالف جمهوری اسلامی، طنین افکن شد.

دو سه ساعتی بعد بود که وزیر خارجه قداربندگان اسلامی حاکم بر جامعه ایران، جلسه سخنرانی‌اش را لغو کرد و با خشم و سرافکنندگی، از فرانسه گریخت.

خارج از تصور نیست که این شخص و همکارانش، به میزبانانشان اعتراض کرده‌اند که چرا همزمان با حضور آنان در کاخ الیزه، مخالفین رادیکالشان که قبلاً هم وزرا و مقاماتشان را فراری و بی‌آبرو کرده‌اند، در مقابل پارلمان فرانسه، شعار مرگ بر جمهوری اسلامی می‌دهند؟

ما مجدداً اعلام می‌کنیم که با تمام قوا از حضور جنایتکاران جمهوری اسلامی در خارج ممانعت بعمل خواهیم آورد. به سران رژیم اسلامی هم اطمینان میدهم که سفر خاتمی هم، اگر هنوز از تصمیم به سفر پشیمان نشده باشد، دستاورد بیشتری از سفر خرازی برایشان نخواهد داشت.

### سرنگون باد جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۵ فوریه ۹۹

### تلفنهای تماس

دفتر سیاسی: (44)7970962719

روابط عمومی: (1)310-445-9228

خارج کشور: (46)070-5885836

آدرس پست الکترونیکی حزب عوض شده است آدرس جدید:

E-Mail: wp@iran1.freemove.co.uk

## دفتر سازمان ملل در هلند توسط

## پناهندگان ایرانی اشغال شد

صفحه ۳

## تحصن پناهندگان ایرانی در آلمان

صفحه ۳

مصطفی صابر

## این خطر را جدی بگیریم!

تا یک ایرانی بیکار وجود دارد، یک خارجی حق کار کردن در این کشور را ندارد. چرا باید اتباع خارجی کار داشته باشند و جوانان ایرانی دنبال کار باشند. باید وزارت کشور یک هجرت عمومی را برای بیگانگان ایجاد بکند. اگر اینها مشکلی برای ما هستند بروند و گریبانگیر دولت کشور خودشان بشوند.

حتی لوپن "سرور" فاشیست‌های "جبهه ملی فرانسه" هم بدون ترس از هو شدن نمی‌تواند به این صراحت علیه "خارجیان" و "بیگانگان" حرف بزند و با وقاحت از "هجرت عمومی بیگانگان" سخن بگوید. اما آقای کمالی وزیر کار، در پی اظهارات مشابه دیگر مقامات و وزرای دولت خاتمی، این کلمات را در "جمع کارگران واحد های صنعتی ساوجبلاغ" به زبان راند و سخنان ایشان با عزت و احترام در روزنامه‌ها (از جمله جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۸ بهمن، ۷ فوریه) به چاپ رسید.

چرا مقامات رژیم ایران میتوانند چپ و راست این اظهارات فاشیستی را علیه بیش از یک میلیون زن و مرد و کودک بی حقوق ساکن آن مملکت بیان کنند؟ آیا همین رژیم با وجود همه جنایتکار بودن و قرون وسطایی بودنش جرئت دارد چنین به صراحت از به دریا ریختن دیگر گروههای اجتماعی سخن بگوید؟ آیا ترس از اعتراض مردم این رژیم وحشی را مجبور نمی‌کند تا هر کلمه‌ای را که میخواهد علیه زنان، کارگران و بخشهای دیگر جمعیت بگوید، چندبار مزمزه کند؟ حتی سردار صفوی که در حضور ابواب جمعی اش نعره سر زدن و زبان بریدن کشید، حساب دستش آمد که زیپ چاک دهانش را باید بکشد. چگونه است که وزیر کار آقای خاتمی "لیبرال" چنین بی پروا در روز روشن و در یک سخنرانی علنی از "هجرت عمومی" و "اجباری یک میلیون آدم سخن میگوید و ذره‌ای هم نگران چاک دهانشان نیستند؟

پاسخ در قلدر بودن رژیم نیست. (این رژیم دارد پشم و پيله اش میریزد) پاسخ اینجاست که در آن مملکت شوونیسم و عظمت طلبی ایرانی هنوز آنقدر قوی است که چنان عبارات فاشیستی یک موج عمومی اعتراض و ناراضی بر نمی‌انگیزد. از اینهم وحشتناکتر، پاسخ اینجاست که کمالی و سایر مقامات رژیم امیدوارند که با این عبارات فاشیستی و با به غلیان درآوردن احساسات ضد بیگانه و با متهم کردن "خارجیها" به مشابه عامل بیکاری، "گریبان دولت خود" را از اعتراض مردم برهانند. پاسخ اینجاست که نه فقط جناح چپ و راست رژیم، که تقریباً تمام اپوزیسیون رژیم (به جز ما کمونیستها) پشت پلاتفرم فاشیسم ضد افغان و ضد بیگانه رژیم رفته است، بعضی علنی و بعضی با سکوت. تصورش را بکنید در جایی که برای هر نسیمی که از بیت منتظری بوزد و یا برای هر بچه آخوندی که با پدرش قهر بکند مصاحبه و برنامه رادیویی ترتیب میدهند، در قبال موضوعی که جان و زندگی یک میلیون آدم را به بازی میگیرد و میلیونهای دیگر را به فقیرای تنفر از هموع تنزل میدهد، یک کلام هم نمی‌گویند.

این خطر را باید جدی گرفت. این کار کمونیستها و کارگران آگاه را سنگین تر میکند. فاشیسم ضد خارجی، این معاهده ننگین رژیم اسلامی و اپوزیسیون بورژوازی اش را باید در ایران و در جهان افشاء کرد. باید همه بدانند جامعه‌ای که نتواند برای تمام شهروندانش، مستقل از جنس و رنگ و مذهب و محل تولد، رفاه و سعادت و برابری ایجاد کند، خود هرگز آزاد نخواهد شد. ۱۸ بهمن ۷۷ - ۷ فوریه ۹۹

محسن ابراهیمی

## پشیمان از گذشته، نگران از آینده

درسهای آقای امیر خسروی از تاریخ

تحولات جاری سیاسی در ایران، دو شاخص بسیار برجسته دارد: اولاً، افشار مختلف مردم با سرعت و شدت بیش از پیش در مقابل کل جمهوری اسلامی قرار میگیرند. ثانیاً و به تبع آن، نیروهای سیاسی ناکزیر میشوند موضع سیاسی صریح بگیرند. دیگر جایی برای واسطگی سیاسی به نفع رژیم تحت عنوان اپوزیسیون باقی نماند. هر چقدر سازش ناپذیری مردم در مقابل رژیم صریحتر و رژیم منزوی ترمیشود همانقدر تردیدها در میان نیروهای سیاسی جای خود را به جانبداری سیاسی میدهد: یا در کنار مردم و در مقابل رژیم. یا در کنار رژیم و در مقابل مردم. آقای امیر خسروی و حزب راه آزادیش مفتخر به انتخاب راه دوم شده اند. کله گنده های خود رژیم میگویند: "مردم ما را به زیاله دان تاریخ خواهند افکند". حزب ایشان اعلام میکند: "قاطبه مردم ایران هیچ آمادگی ذهنی برای شعار سرنگون باد جمهوری اسلامی ندارند". امیر خسروی که در مکتب حزب توده استخوان خورد کرده، به هر چیزی متوسل میشود تا به رژیم اسلامی خدمت کند. آخرینش درسهایی از تاریخ به روال حزب توده برای خوش خدمتی به رژیم اسلامی است. (برای مستفیض شدن از این درسها به مقاله "خطا در قبال مصدق و بازرگان را تکرار نکنیم!" به قلم بابک امیر خسروی در شماره ۶۱ نشریه راه آزادی

مراجعه شود). برای توجیه جمهوری اسلامی، تا میتواند به مردم و نیروهای مخالف رژیم میتازد و مقصر وضعیت کنونی قلمدادشان میکند. سؤالاتی طرح میکند و در جواب هر کدام یک بار دست محبت به سر و صورت رژیم میکشد و یک چشم غره به مردم و مخالفین رژیم اسلامی میروید. از هر جایی وارد میشود رژیم اسلامی و مخصوصاً "جناح محترم قانونگری رئیس جمهور" را طلبکار و مردم و اپوزیسیون را بدهکار در میآورد. دقت کنید. چرا انقلاب ایران شکست خورد؟ چون طیفی از چپ "رادیکال بازی" کرد و با "خواب و خیال انقلاب پی در پی به بیراهه رفت" و طیفی دیگر یعنی چپ توده ای به جای حمایت از مهندس بازرگان از "موضع قاطعانه ضد امپریالیست امام خمینی" حمایت کرد. (به خاطر بیابورید که ایشان خود از فعالین این طیف بود و وقتی فعالین طیف اول به جرم اعتراض به رژیم اسلامی دسته دسته به خاک میافتادند، لقب تریچه های پوک از حزب توده گرفته بودند). چرا آزادی در ایران مستقر نشد؟ چون چپ ایران هیچ گاه قدر آزادیهای بدست آمده را ندانست. چون چپ خواست از آن به عنوان سکوی پرش به اهداف عالیتر استفاده کند. چون چپ در فردای انقلاب با "نیروهای آزادیخواه ملی و ملی-اسلامی" هم جبهه

نشد. چون چپ از حکومت بازرگان یعنی "پایگاه آزادی در درون حاکمیت" با قاطعیت حمایت نکرد. آقای خسروی الحق مرد منصفی است. خودش لابلای همین ستور به یاد خواندگانش میاندازد که همین "پایگاه آزادی" در سال ۵۸ هنوز به استناد قانون سیاه ۱۳۱۰ مخالف فعالیت علنی و آزاد کمونیست ها بود. این درس اول: خواب انقلاب را نبینید. از سایه خاتمی دور نشوید. این هنوز کافی نیست. برای غسل تعمید جمهوری اسلامی باید حساب مردم را هم کف دستشان گذاشت. اصلاً خود مردم هستند که قدر و منزلت حجت الاسلام را نمیدانند و راه را بر گسترش آزادی و قانون مینندند. دلیلش هم تاریخی است. میگوید: این مردم طی سده ها "به حکومتهای خودکامه و بی قانون خو گرفته اند"، بدیهی است که "رفتار قانون مدار خاتمی برایشان عجیب است" و اصرار دولتمردانی نظیر خاتمی برای رعایت قانون را "به آسانی نمیتوانند بفهمند" و دست آخر "تمایل عمومی شان این است" که حتی کار خوب و نیت نیک نیز "از راه زور و اعمال قدرت" اجرا شود. (واقعاً که آن چپ نمک شناس و این مردم دیکتاتور دوست اصلاً لیاقت آزادی ندارند!) این درس دوم: عادت دیکتاتور دوستی را کنار بگذارید. اینقدر به حکومتهای خودکامه علاقمند نباشید. کافی است اندکی چپ به خاتمی نگاه کنید. این مباشر رژیم در خارج از کشور از کوره در خواهد رفت که مگر "تنگناهای" رئیس جمهور را نبینید. مگر نمیبینید

که مقام ریاست جمهوری در جمهوری اسلامی محدود کننده است؟ مگر نمیبینید که دست حجه الاسلام به خاطر "پابندی به قانون اساسی" بسته است؟ و الا ما هم "برخی موضعگیری های او را نمی پسندیم و موافق نیستیم" اما فرق ما با شما مردم عجزول و افراطی و خورگرفته به دیکتاتوری اینست که ما اگر هم موافق نباشیم "درک میکنیم.!!" مثال: خاتمی گفت لاجوردی سرباز وفادار اسلام و انقلاب است. شما مردم و افراطیون از این یک "پیراهن عثمان" درست کردید و "الم شنگه" راه انداختید در حالیکه ما "درک" کردیم!! و این درس سوم: تنگناها را ببینید. مزاحم جمهوری اسلامی نباشید.

## اصل موضوع چیست؟

جامعه بشدت قطبی شده است. زمین زیر پای رژیم اسلامی به لرزه افتاده است. قدرت حاکم ترک برداشته است. شکاف میان مردم و رژیم فاحش تر شده است. نتیجه: وسط کاران سیاسی میدانی برای عرض اندام پیدا نمیکنند. دیگر نمیتوان دستی در اپوزیسیون، دستی در رژیم و سوار بر دوش مردم به چشمان پرتنفر جمعیت خیره شد و ابلهانه تکرار کرد: سرنگون باد شعاری بی پایه در میان شماست، به خصلت دوگانه حاکمیت بی اعتنا نباشید، آخوندهای خوب سربرآورده اند و یک فرصت دیگر به رژیم بدهید. شکاف میان مردم و حکومت آنچنان عمیق و آنچنان وسیع است که دیگر جایی برای بندبازی سیاسی نمانده است. باید انتخاب کرد. آقای امیر خسروی و حزیش انتخاب خود را کرده اند.

تشتت در سیستم جهانی قدرت و خواه بخاطر اینکه امروز "موقعیت ایران" و رژیم اسلامی حاکم بر آن در تقسیمات سیاسی و اقتصادی نظام سرمایه، واجد همان وزنی نیست که دو دهه پیش بود، چیدن گودالوپ دیگری از سوی غرب برای دخالت در مسیر تحولات سیاسی ایران محتمل و میسر نیست. امروز برخلاف سال ۵۷، فاکتور شرایط جهانی در سیر تحولات سیاسی ایران، برای آنکه مردم بیخاسته، و پیشاپیش آنان صف آگاه و متشکل کارگران، بتوانند تاثیر دخالت قدرتهای جهانی در تعیین مسیر سرنوشت سیاسی جامعه را خنثی کنند بسیار مساعدتر است. علاوه بر فاکتور اوضاع جهانی، موقعیت جمهوری اسلامی در خود جامعه بدنبال دو دهه آدمکشی و مردم ستیزی، واگرایی روزافزون جناحهای متخاصم حاکمیت و بازتر شدن شکافهای درونی آن، عزم مردم آزادیخواه به برچیدن بساط حکومت اسلامی، بر متن بحران اقتصادی عمیق و بیسابقه ای که دم به دم گلوی رژیم را محکم تر میفشارد، همه و همه فاکتورهائی هستند که اوضاع کنونی را به مساعدترین موقعیت این دوره بیست ساله، برای خاتمه دادن به حیات ننگین جمهوری اسلامی بدل کرده اند. وقت آنست که بساط جنایت و توحش اسلامی را با انقلابی دیگر برچینیم و آرمانهای عزیز انقلاب ۵۷ را به روشنی فردائی شاد، به چشم انداز جامعه ای آزاد و برابر و مدرن و انسانی گره بزنیم.

**ایسکرا را به دوستان و آشنایان در ایران برسانید!**

آزادیخواه هرگز زیر بار حکومت اسلامی نرفتند و این رژیم طی دو دهه گذشته همیشه وصله ناجوری به پیکر جامعه بوده است. دو دهه تحولات جهانی و داخلی، به آخر خط رسیدن و فرسایش مهلک جمهوری اسلامی و به میدان آمدن جسورانه مردم علیه این بساط توحش، زمان و زمینه را برای سرنگونی انقلابی آن فراهم ساخته است. دهه اول بیست سالی که گذشت ادامه دوران جنگ سرد بود و رژیم اسلامی به رغم اتمام ماموریتش علیه انقلاب، هنوز بعنوان سد سبز در برابر نفوذ شوروی مورد حمایت غرب بود. در سالهای آغازین دهه بعد از جنگ سرد هم، غوغای "سقوط کمونیسم" و "پایان تاریخ" کمک غیرمترقبه ای به رژیمهای فوق ارتجاعی نظیر جمهوری اسلامی کرد و تلاش منحط و پست مدرنیستی ارگان های تبلیغی و آکادمیک بورژوازی در تخطئه انقلابات معاصر، تلاشی که قصد داشت تحولات انقلابی دویمت سال، از انقلاب فرانسه تا سقوط دیوار برلن را تماماً از تاریخ بشریت قیچی کند، یک فضای تیرگی غلیظ فکری آفرید که خیر آن همه جا به ارتجاع رسید و دود آن چشم انداز مبارزه کارگران و مردم آزادیخواه را کدر کرد. نیمه دوم دهه حاضر اما شاهد فرونشستن آن غوغا و سر برآوردن مجدد مبارزات کارگری و آرمانهای سوسیالیستی از ورای آن بود. این در حالی است که قدرتهای بزرگ جهان سرمایه ازجمله بزرگترینشان آمریکا نتوانستند آنچه "نظم نوین" میخواندند را مستقر کنند و حالت اغتشاش و تشتت بصورت درازمدت تری به شاخص روابط بین دولتی و سیستم جهانی پساجنگ سردی بدل گشت.

در چنین شرایطی، خواه بخاطر

اش، توانست پیروزمندانه تا قیام و بزیر کشیدن رژیم سلطنتی پیشروی کند و تازه پس از قیام بود که نیروی آزادشده توده ها به شکل شوره های کارگری، جمعیت های زنان و مردم مسلح و انقلابی از هر گوشه میروئید و شکوفا میشد. از زاویه ای که شخصاً انقلاب ۵۷ را تجربه کرده ام، سیاست و پراتیک سازمان دادن نیروی کارگر و زحمتکش و مردم آزادیخواه با شعار روشن "دفاع از آزادی و انقلاب" آنچنانکه در سنج و دیگر شهرهای کردستان، در سگر بندی سیاسی و نظامی کوچک به کوچه به دفاع از دستاوردهای انقلاب طی روزها و ماههای پس از قیام و سپس در پروسه چندساله جدال انقلاب و ارتجاع اتفاق افتاد، به رغم هر کمبود و ناروشنی ناگزیری که فعالین آن سیاست و پراتیک داشتند، نمونه درخشانی است که اگر به وسعت اصلی ترین شهرها و مراکز کارگری جریان داشت، میتوان تصور کرد که ارتجاع اسلامی را در همان سالهای اول بزیر میکشید و برای ابد به گورستان میفرستاد.

## حکومت اسلامی را با انقلابی دیگر سرنگون کنیم

ارتجاع اسلامی با تصاعد کشتار و سرکوب و زندان و اعدام در فاصله ۵۷ تا ۶۰ انقلاب را خفه کرد و با تکیه به همین ابزارها بر سر کار ماند، اما به شهادت سیر تاریخ دو دهه و حاصل این تاریخ در اوضاع کنونی جامعه، کارگران و مردم

Iskra

فاتح شیخ الاسلامی

E-Mail: fa.shaik@swipnet.se

غلام اکبری

ایسکرا

سردبیر:

همکار فنی:

یادداشت برای ایسکرا

مصطفی صابر Mosaber@yahoo.com

## "معمای کلیتون"!

بیل کلیتون به یک "معما" تبدیل شده است. برای اینکه صورت مساله این "معما" دستتان بیاید، به صفحات اول روزنامه ها و مجلات پر تیراژ جهان طی چند ماهه اخیر توجه کنید. این تیتیر را بیشتر از هر چیز دیگر در رابطه با کلیتون خواهید دید: "او چگونه توانست چنین کند؟" و منظور از این سوال اینست که او چگونه توانست با یک زن خارج از رابطه ازدواج بخوابد، رسماً و علناً در باره آن دروغ بگوید، تبلیغات سنگین (و شنیع) محافظه کاران را تحمل کند، همه فوت و فن های تعقیب حقوقی را پاسخ بگوید و با این همه نه فقط از تخت ریاست جمهوری پایین نیاید که حتی در همه نظر سنجی ها نمره قبولی ۷۰ درصدی بگیرد.

فعلاً بگذریم از اینکه نحوه طرح "معما" خود ناشی از تفکر مردسالارانه و اخلاقیات عقب مانده و ارتجاعی نسبت به مناسبات جنسی انسانها است. مهمتر، این جماعت جواب درستی هم برای معمایی که طرح کرده اند ندارند: "آمریکایی ها از کلیتون حمایت میکنند چون او کارش را بعنوان رئیس جمهور خوب انجام داده است"، "چون کلیتون در برقراری رابطه با توده آمریکایی از ریگان تربیت شده هالیوود هم استادتر است"، "چون اقتصاد آمریکا طولانی ترین دوره رونق بعد از جنگ را داشته است" و امثال اینها. این پاسخ ها جای تردید دارد. (کار خوب" کلیتون اساساً چیزی جز پیاده کردن برنامه های ارتجاعی که ریگان و بوش اعلام کردند، از جمله زدن و لفر، بهداشت عمومی، حقوق مادران و غیره نبوده است. این از چشم مردم آمریکا پنهان نمانده است. بعلاوه هر بچه مدرسه ای هم میداند که رونق اقتصاد اساساً تابع سیکل های بازار است.) اما با اینهمه اگر این "دلایل" را بپذیریم، اگر به هنر بازیگری کلیتون هم اعتراف کنیم، باز حضرات انگشت به دهان در برابر "معمای کلیتون" یک واقعیت ساده، انسانی و بسیار مهمتر را فراموش میکنند: اینکه آراء کلیتون در نظرسنجی ها بالاست، و یا حتی کل دمکراتها در برابر کنسرواتورها (مثلاً در "شگفتی" انتخابات میان دوره ای اخیر) حمایت میشوند، قبل از هر چیز نفرت و حتی وحشت رای دهندگان از پلیسی و جنایی کردن خلوت و زندگی جنسی انسانها را به نمایش میگذارد. حمایت از کلیتون شکل معین اعلام نفرت جامعه از اخلاقیات راست و بی حرمتی به انسانها است تا "رای محبوبیت پرزیدنت!" را از "معمای کلیتون" را ابتدا باید اینجا جستجو کرد. اما معمای واقعی برای طبقه حاکمه آمریکا و متفکران و رسانه های آن کلیتون نیست. معما درک تمایلات توده مردم آمریکا است. بهت و حیرت حضرات از "معمای کلیتون" و عجز آنان در "حل" آن نشان میدهد که چقدر پرت افتاده اند. آیا این فاصله گرفتن توده های مردم آمریکا از اخلاقیات رسمی و از رسانه ها و اراجیفشان طلیعه شروع دوره نوینی از حضور و دخالت مردم در سیاست و تحولات اجتماعی در آمریکا است؟ سنگسار؟ چه ربطی دارد؟

هربار که صحبت کلیتون \_ لوینسکی و اخلاقیات ارتجاعی حاکم در آمریکا میشود، بی اختیار یاد "وطن پر گهر" می افتم. نه فقط به این خاطر که ارتجاعیون وطنی، چه در حکومت و چه خارج از آن، همان رنگ همتایان آمریکائی شان را دم گرفته اند؛ و حتی نه فقط به این خاطر که آقایان "بذله گوی" وطنی (مثل غالب کمدین های آمریکایی) جوکهای سکسیستی حول رابطه کلیتون \_ لوینسکی میسازند. اینها همه به جای خود. این ماجرا مرا بیاد سنگسار می اندازد.

چه ربطی دارد؟! پایه آنچه "افتضاح کلیتون \_ لوینسکی" نامیده شده، رابطه جنسی خارج از ازدواج است. در اسلام به آن "زنا" میگویند و شما را اگر زن باشید تا سینه و اگر مرد تا کمر در خاک میکنند و با سنگ بر سرتان میکوبند تا جان بکنید. خوشبختانه در آمریکا اسلام حاکم نیست. اما اخلاقیات ارتجاعی و مذهبی نسبت به روابط جنسی آدمها هنوز نفوذ زیادی دارد. در این اخلاقیات رابطه جنسی یک تابو است با هاله ای از تلقیات مذهبی و ریاکارانه. بویژه رابطه جنسی خارج از ازدواج، نه یک امر خصوصی انسانها بلکه پیشاپیش "بد"، "منوعه"، "مذموم" و "افتضاح" تلقی میشود. درست بهمین دلیل دادستان "استار" که از جانب جمهوریخواهان برای مجبگیری از کلیتون گمارده شده بود، فکر کرد که "پاشنه آشیل" کلیتون را گیر آورده و با انتشار تفصیلات رابطه سکسی کلیتون و لوینسکی امیدوار بود موج اخلاقیات ارتجاعی را علیه رئیس جمهور بر انگیزد و او را از کار برکنار کند. اینجا کسی را در خاک نکردند، سنگی به کسی نزدند، اما زندگی شخصی و روابط خصوصی دو آدم را به تمام جهان مخابره کردند. کسی کشته نشد، اما فشار روحی، حقوقی و تحقیر از همه طرف دو نفری را که سکس خارج از ازدواج داشتند، درهم فشرد. مانیکا لوینسکی طی یک سال گذشته ۲۳ بار سین جیم شده است. هر بار ساعتها شکنجه اورتترین سوالات درباره خصوصی ترین رفتارشان. تنها آخرین بار ۸ ساعت به مفتخوره های سنا جواب میداد و تازه معلوم نیست این آخرین بار باشد. کلیتون برای فرار از "افتضاح" خود به هر افتضاحی تن داد. دروغگویی، ردالت، خدایپرستی، جنایت (حمله به یک کارخانه در سودان)، مغلطه های حقوقی و غیره. نه فقط زندگی شخصی او و همسرش و روابط سکسی خارج از ازدواج آنها داغ ترین موضوع نشریات و رادیو و تلویزیون است، بلکه اخیراً حتی دختر جوان اینها چلسی هم به لیست اضافه شده است. یک نشریه عکسهای او را انتشار داد که از "افتضاح" پدرش شرمگین، دیپرس و گریان است. و همه اینها از آنجا شروع شد که دو نفر خارج از ازدواج سکس داشته اند!

آیا این رفتارها با سنگسار کردن شباهت ندارد؟ آیا ریشه و منشاء توجیه اخلاقی هردو اینها تقدس خانواده، مذهب و دخالت دولت در زندگی خصوصی افراد نیست؟ آیا فلسفه پشت هردو اینها این نیست که جامعه از "بی بندوباری جنسی" حفظ شود، که زن همچنان ملک مرد و اسیر خانواده پدرسالار باقی بماند، که از انسانها زهر چشم گرفته بشود و به آنها یاد آوری شود که هر آن "مصلح دینی و اخلاقی"، "عزت و اعتبار مملکت" و غیره اقتضا کند هیچ ارزشی ندارند؟

## فعالیت‌های حزب در خارج کشور

### تظاهرات در مقابل سفارتخانه ها و کنسولگریهای فرانسه در کشورهای اروپا، آمریکا، کانادا و استرالیا

فرانسه، معنا و نتیجه‌ای جز تقویت جمهوری اسلامی و استبداد، تضعیف آزادیخواهی و جنبش کارگری، ندارد.

به دولت فرانسه برای دعوت از وزیر امور خارجه ایران اعتراض کنید و خواهان لغو این سفر شوید. خواهان حق تشکل و اعتصاب برای کارگران ایران شوید تا مبارزه برای آزادی و حرمت انسانی تقویت شود.

آزاد نسیم  
مسئول تشکیلات خارج کشور  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۱ ژانویه ۹۹

### مصاحبه ها

— مصاحبه مینا احدی با رادیو دنیای نو در کپنهاگ در مورد اشغال دفتر احزاب حاکم در آلمان و محکوم کردن رابطه دولت آلمان با ایران ۶ فوریه

— مینا احدی با رادیو انترناسیونال در استکهلم درباره ممانعت از برگزاری جلسه منوچهر محمدی در آلمان ۳۱ ژانویه

— فاتح شیخ الاسلامی، مصابه با رادیو های انترناسیونال در استکهلم و دنیای نو در کپنهاگ درباره تظاهرات مردم شهرهای کردستان، ۳۱ ژانویه و مجدداً با رادیو انترناسیونال درباره بیستمین سالگرد انقلاب ۵۷، در ۷ فوریه

— نادر بکتاش با رادیو انترناسیونال در ۳۱ ژانویه و ۷ فوریه درباره آکسیون اعتراض به سفر خرازی — بیژن هدایت کادر حزب و سردبیر نشریه نگاه، مصاحبه با رادیو انترناسیونال درباره اسلام سیاسی در ایران ۳۱ ژانویه

— مصاحبه سیاوش دانشور مشاور کمیته مرکزی حزب با رادیو "شاره ها" در استکهلم پیرامون بررسی و جمع‌بندی یکسال مبارزه علیه رژیم اسلامی در داخل و خارج ایران، ۱۰ ژانویه، با رادیو انترناسیونال در استکهلم پیرامون اطلاعیه وزارت اطلاعات رژیم و مواضع رسانه های غرب و اپوزیسیون طرفدار رژیم، ۲۴ ژانویه، با رادیو "ما و شما" در گوتنبرگ راجع به ترورهای سیاسی و مواضع سیاسی ایران، ۲۸ ژانویه، با رادیو "شاره ها" در استکهلم پیرامون درسهایی انقلاب ۵۷ ایران، ۱۰ فوریه

— بهرام رحمانی کادر حزب کمونیست کارگری ایران از طرف کمیته برگزارکننده تظاهرات ۱۶ ژانویه استکهلم مصاحبه با رادیوهای پژواک سوئد و رنگارنگ، انترناسیونال، پندار، و طیش در استکهلم درباره تظاهرات مشترک و دو نوبت شرکت در میزگرد رادیوی رنگارنگ درباره شعار سرنگونی جمهوری اسلامی

— خلیل کیوان کادر حزب و مسئول واحد سوئد حزب مصاحبه با رادیو همبستگی مالمو و رادیو دنیای نو در کپنهاگ در باره اشغال دفتر هواپیمایی ایران ایر در استکهلم در ۲۹ ژانویه و آکسیونهای حزب در شهرهای استکهلم، یوتبور و مالمو در اعتراض به دولت فرانسه در ارتباط با سفر خاتمی به آن کشور

### سخنرانی ها

— سخنرانی آذر مدرسی عضو کمیته مرکزی حزب و دبیر کمیته

آلمان درباره اوضاع سیاسی ایران، به دعوت شورای پناهندگان شهر کیسن آلمان ۳۰ ژانویه

— صالح سرداری مشاور کمیته مرکزی حزب و عضو هیات اجرایی کمیته کردستان حزب در خانه حزب برلین درباره اوضاع سیاسی در کردستان ایران، ۲۹ ژانویه

— سخنرانی و پرسش و پاسخ سیاوش دانشور در گوتنبرگ سوئد، راجع به ترورهای سیاسی و موقعیت کنونی رژیم اسلامی، برگزار کننده واحد گوتنبرگ حزب کمونیست کارگری ایران، ۳۰ ژانویه

— سوسن بهار کادر حزب و سردبیر نشریه داروک و دبیر نهاد "حقوق کودکان الان" درباره: کودکان و دنیای امروز، ۳۰ ژانویه

— سخنرانی امیر توکل کادر حزب در یکی از دبیرستانهای شهر واسا فنلاند درباره اوضاع عمومی ایران، وضع جوانان و آپارتاید جنسی، جلسه به زبان سوئدی بود. ۲۵ ژانویه

### برگزار شد:

**کنفرانس سراسری اعضای حزب کمونیست کارگری ایران در کانادا**  
کنفرانس سراسری اعضای

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران واحد کانادا با شرکت اکثریت اعضای حزب در کانادا و تعدادی از اعضای حزب کمونیست کارگری عراق، اواخر ژانویه ۱۹۹۹ همزمان در تورنتو و ونکوور برگزار شد. کنفرانس با سخنرانی سخنان مهمان کنفرانس اصغر کریمی، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران در مورد حزب و جامعه شروع بکار کرد. در ادامه جلسه نوار سخنرانی منصور حکمت پخش شد. این سخنرانی نیز تأکید مجددی بود بر اهمیت حضور اجتماعی هر چه قدرتمندتر حزب و قرار دادن فعالین حزبی در مرکز فعل و انفعال سیاسی جامعه. بررسی موقعیت کنونی حزب در کانادا، ارزیابی فعالیت های واحد کانادا در دوره گذشته و جهت‌گیری دور آتی فعالیت ها از دیگر مباحث کنفرانس بودند. در خاتمه کنفرانس ۱۵ نفر بعنوان کمیته کشوری دوره بعد انتخاب گردیدند: محسن ابراهیمی، محمود احمدی، صلاح ایران دوست، حمید بشارت، جلیل بهروزی سعید پرتو، امیر پیام، پرویز شکبیا، مصطفی صابر، فهیمه صادقی، شهرام صنیعی، تسمی گرین Grin Temi، شیوا محبوبی، مریم نیکفر و حسن وارث. کمیته کشوری در اولین نشست خود بعد از کنفرانس ۵ نفر را بعنوان کمیته اجرایی و محمود احمدی را بعنوان دبیر حزب در کانادا انتخاب کرد. علاوه بر این کمیته کشوری تعدادی از اعضای تشکیلات کانادا را بعنوان مشاورین خود برگزید.

حزب کمونیست کارگری ایران واحد کانادا-۳ فوریه ۱۹۹۹

— میزگرد درباره اوضاع ایران و مسائل پناهندگی، با شرکت: فریدون گیلانی؛ مینا احدی، سخنگوی کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران؛ نادر شریفی دبیر همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی (آلمان)، محمد رضا پویا از هلند و اداره کننده میز گرد، نسان نودینیان، برگزار کننده خانه حزب در کلن آلمان. رادیو "دویچه وله" در این جلسه حضور داشت و از برنامه اصلی خانه حزب رپرتاژی تهیه کرد ۳۰ ژانویه

### برگزار میشود:

— خانه حزب کمونیست کارگری ایران در لندن برگزار میکند: زن در جهان بینی اسلامی، سخنران: هایدو درآگاهی نویسنده، محقق و از فعالین جنبش زنان، ۶ بعدازظهر ۲۰ فوریه ۱۹۹۹

Mallet Street, London WC1  
RED 2C, ULU,  
Tube: Goodge Street

— خانه حزب در کلن؛ سخنرانی محمد آسنگران، عضو کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران درباره موقعیت و شرایط سیاسی کنونی در کردستان عراق و اوضاع سیاسی و نگاهی به مبارزات اعتراضی در شهرهای کردستان ایران، جمعه ۱۲ فوریه

— خانه حزب در کلن؛ دعوت به میزگرد: ارزیابی ها و درسهایی یک انقلاب با شرکت: فریدون احمدی؛ سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مصطفی مدنی؛ سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، آذر مدرسی؛ عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۹ فوریه ۹۹

### اطلاعیه ها

— دادستانی سوئد را به عنذرخواهی و اداری کنیم! درباره قرار تعقیب سه نوجوان در ارتباط با فاجعه آتش سوزی دو ماه پیش گوتنبرگ، تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد سوئد، ۵ فوریه ۹۹

— سیاوش دانشور: شعار "سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی" آقای بابک امیر خسروی و شرکا را به وحشت انداخته است! درباره اطلاعیه "هیئت اجرائی شورای مرکزی حزب دمکراتیک مردم ایران"، (آذر ۱۳۷۷) راجع به رویدادهای اخیر در ایران ۲۶ ژانویه

— نامه حمایت سازمانهای زنان و مترقی از مبارزات زنان در کشورهای اسلامی، کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران، ژانویه ۹۹

— واقعا به کدام اتهام؟، عباس گویا کادر حزب در ارتباط با نوشته ای از شهروشن پاریس پور، ۲۶ ژانویه

## دفتر سازمان ملل در هلند توسط پناهندگان ایرانی اشغال شد

بنا به اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - واحد هلند (۴ فوریه ۹۹)، همبستگی فدراسیون پناهندگان ایرانی در هلند با همکاری چندین تشکل پناهندگی دیگر، روز ۴ فوریه ساعت ۱۱:۱۰ صبح در اعتراض به طرح "ایران امن" دولت هلند دفتر سازمان ملل در شهر لاهه را اشغال کردند. طرح "ایران امن" قرار بود همان شب در مجلس هلند مورد بررسی قرار گیرد. معترضین با این آکسیون، خواهان اعمال فشار بر دولت هلند جهت لغو گزارش وزارت خارجه هلند مبنی بر "امن" بودن ایران و توقف اخراج پناهندگان ایرانی شدند.

واحد هلند حزب کمونیست کارگری ایران در همبستگی با مبارزات بر حق پناهندگان در این آکسیون شرکت فعال داشت و اعلام کرد که طرح "ایران امن" دولت هلند را بشابه حمایت رسمی این دولت از جانیان اسلامی و مقابله مستقیم با مبارزات رو به گسترش مردم ایران علیه رژیم اسلامی، تلقی میکند.

در ارتباط با همین آکسیون محمد رضا پویا سخنگوی همبستگی - فدراسیون پناهندگان ایرانی در هلند نیز در اطلاعیه خود (۴ فوریه) ضمن اعلام خبر اشغال دفتر سازمان ملل در هلند، نوشت: دولت هلند بخوبی از میزان جنایات آدمکشانه رژیم اسلامی ایران آگاه است. آنها مطلعند که هر صدای آزادیخواهی و انسان دوستی با گلوله سربازان اسلام پاسخ میگیرند. بارها خبردار شده اند که چگونه رژیم اسلامی زنان را به وحشیانه‌ترین شکل به قتل میرساند. چگونه تجمعات و اعتراضات کارگری مورد حمله ساطور بدستان مسلمان قرار میگیرند. میدانند که سایه شکنجه و زندان و مرگ بدنبال پناهندگان اخراجی خواهد بود. همه اینها را میدانند ولی در کمال بی شرمی دم از "امنیت" جان انسانها در ایران میزنند و آنهم هنگامیکه سران جنایتکار جمهوری اسلامی خود اقرار به جنایت میکنند.

\*\*\*

## تحصن پناهندگان ایرانی در آلمان

فدراسیون پناهندگان ایرانی در آلمان به منظور مبارزه با تصمیم دولت آلمان مبنی بر امن بودن ایران و در اعتراض به افزایش صدور احکام اخراج و دستگیری پناهندگان ایرانی، تحصن را از تاریخ ۱ فوریه بمدت ۳ هفته در شهر بوخوم سازمان داده است. مطالبات این تحصن که تا ۲۱ فوریه ادامه خواهد داشت عبارتند از:

- ۱- توقف بی قید و شرط اخراج پناهندگان ایرانی
  - ۲- تمامی پناهندگان ایرانی که در زندانهای استرداد میباشند باید فوراً آزاد شوند
  - ۳- کلیه پرونده های بسته شده باید مجدداً بازگشایی شوند
  - ۴- ممنوعیت پخش فرم اطلاعاتی سفارت جمهوری اسلامی
  - ۵- حق پناهندگی کلیه پناهندگان ایرانی باید برسمیت شناخته شود
- این تحصن با استقبال گسترده پناهندگان ایرانی مواجه شده و روزانه نزدیک به ۳۰۰ نفر در این تحصن شرکت میکنند. متحصنین تا کنون از حمایت وسیع احزاب و جریانات متعدد ایرانی و آلمانی برخوردار شده اند و از سوی رسانه های خبری و مطبوعات در آلمان تحت پوشش خبری مساعدی قرار گرفته اند.

### ملزومات و موانع آزادی زن در ایران امروز

۷-۹ مه ۱۹۹۹  
۱۷-۱۹ اردیبهشت ۱۳۷۸

مدوسا بزودی اولین کنفرانس خود را تحت نام "ملزومات و موانع آزادی زنان در ایران امروز" برگزار میکند. در این کنفرانس شرایط تحقق آزادی زنان در ایران و روش و استراتژی تحقق این امر با حضور صاحب نظران در امر مساله زن و شخصیت های سرشناس سازمان ها و کمپین های زنان در ایران و خارج کشور به بحث گذاشته میشود.

این کنفرانس در تاریخ ۷-۹ مه ۱۹۹۹ برابر با ۱۷-۱۹ اردیبهشت ۱۳۷۸ در استکهلم، سوئد برگزار میشود. از علاقمندان حضور در کنفرانس، چه بعنوان شرکت کننده و چه بعنوان عضو پائل تقاضا میکنیم که برای کسب اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرند. محل کنفرانس و اطلاعات دقیقتر از چند هفته قبل از شروع کنفرانس از طریق پوسرها و نشریات مختلف فارسی زبان به اطلاع عموم خواهد رسید.

علاوه بر مبحث اصلی کارگاه های ویژه ای نیز در کنفرانس برگزار میشود. از علاقمندان به برگزاری کارگاه میخواستیم که در اسرع وقت با ما تماس بگیرند.

زبان کنفرانس فارسی است.  
تلفن: 0046- 707- 74 40 20 سوئد  
تلفن: 0049- 177- 56 92 413 آلمان  
فکس: 0049- 40- 360 309 1183

azarmajedi@yahoo.com  
editor\_medusa@yahoo.com

## مدوسا منتشر شد

3  
Medusa

نشریه کانون زن و سوسیالیسم شماره ۲ دی ۱۳۷۷  
Journal of the Centre for Women and Socialism No 3

فهرستین و ریشه یابی سنتیکی زن  
مبارزات تاجرقرمان چه کسی است  
در پس تجمل: کار زنان خیاط لندن  
جنین: مبنای سیاست انسانی  
آزادی مذهب یا آزادی از مذهب  
گفتگو با نازلی پرتوی  
اکتبر و رهایی زن  
فائزه رفسنجانی  
با مهرانگیز کار  
در بازار کار  
دفاع از تسلیحه

اولین کنفرانس  
مدوسا  
برگزار میشود  
صنعت سکی - تورسم  
کارگران زن در ایران

پهانی تکساره  
آمریکا ۴ دلار  
کانادا ۵ دلار  
انگلستان ۷/۵ پوند  
آلمان ۷ ماری  
فرانسه ۲۵ فرانک  
سوئد ۳۰ کرون  
سایر کشورها  
معادل ۲/۵ پوند

## رویدادهای ایران

### استعفای وزیر اطلاعات رژیم

سرانجام سه شنبه ۲۰ بهمن، (۹ فوریه) قربانعلی دری نجف آبادی وزیر اطلاعات رژیم اسلامی رسماً استعفا داد و خاتمی قرار است آخوند دیگری بنام علی یونسی را بجای او معرفی کند. بدنبال افشای رسمی دخالت مستقیم مقامات وزارت اطلاعات در ترورهای اخیر که طی اطلاعیه مورخ ۱۶ دی (۵ ژانویه) وزارت اطلاعات بدان اعتراف شد، فشار اعتراضات مردم بر رژیم بیشتر و بیشتر گردید و کشمکش جناحهای متخاصم رژیم در انداختن مسئولیت ترورها به گردن یکدیگر و همچنین نزاع بر سر مواضع کلیدی این ارگان ترور و سرکوب شدت بیسابقه ای

یافت. دارودسته خط امامی های سابق با پافشاری بر ضرورت استعفای دری و "ایجاد تغییرات" در وزارت اطلاعات کوشیدند از جو نارضایتی و اعتراض شدید مردم بهره برداری کرده و جناح رسالت را از مواضع کلیدی وزارت اطلاعات برفع خود عقب برانند. از هنگام صدور آن اطلاعیه، مقامات رژیم از بیم از کنترل خارج شدن اوضاع اطلاع مشخص بیشتری درباره چگونگی انجام ترورها و اسامی مسئولان آن بروز نداده اند. اشاره وزیر مستعفی به "حملات و معاندین بی رحمانه دشمنان و معاندین از خارج و داخل" بعنوان دلیل استعفای خود، اعتراف صریح دیگری است به سنگینی فشار اعتراضات مردم در داخل و خارج بر رژیم اسلامی در ارتباط با ترورهای اخیر. باز شدن هرچه بیشتر شکافهای

### مردم سندج مراسم ۲۲ بهمن را به تظاهرات علیه رژیم تبدیل کردند

طبق اطلاعیه خبری مورخ ۲۲ بهمن ۷۷ کمیته سندج حزب کمونیست کارگری ایران در جریان راهپیمایی بمناسبت سالگرد ۲۲ بهمن که توسط مزدوران رژیم در سندج برگزار شد، مردم مبارز با سر دادن شعارهای ضد رژیم جمهوری اسلامی را به تظاهرات علیه جمهوری اسلامی (تلفن تماس با کمیته کردستان حزب: 0046 704951280)

متعددی از جمله میدان آزادی، خیابان های شاهپور و سیروس سابق و میدان مرکزی با فریاد شعار آزادی، آزادی، مرگ بر ارتجاع، نفرت خود از رژیم و مزدوران را نشان دادند و با نیروهای سرکوبگر درگیر شدند. نیروهای رژیم در جریان تظاهرات و بعد از آن جمعا بیش از ۳۰ تن را دستگیر کردند. در طول بعد از ظهر خیابانهای شهر سندج با حضور خودروها و گشتهای نظامی حالت غیرعادی داشت. سه هفته پیش نیز مردم سندج طی چند تظاهرات وسیع با نیروهای رژیم اسلامی درگیر شدند و به زدوخورد پرداختند. دستگیر شدگان این تظاهرات نیز هنوز آزاد نشدهاند.

تلفن تماس با کمیته کردستان حزب: 0046 704951280

## جمهوری اسلامی را بخاطر زن ستیزی اش محکوم کنید!

بیش از بیست سال است که جمهوری اسلامی ایران جنکی تمام عیار علیه احترام و آزادی فردی و اجتماعی زنان براف انداخته است.

ابعاد توحش رژیم اسلامی در ایران، غیر قابل توصیف است. فقدان پایهای ترین حقوق شهروندی در این کشور را همه میدانند. بیش از بیست سال است که رژیم اسلامی جنکی تمام عیار علیه حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی زنان براف انداخته است. حاصل این زن ستیزی در ایران، تبدیل زنان به شهروندان درجه دو و تحمیل شرایط نابرابر و قرون وسطانی در خانواده، جامعه و روابط شخصی بر زنان بوده است.

### در ایران جمهوری اسلامی:

- \* بسیاری از مشاغل برای زنان ممنوع است؛
- \* در مدارس، دانشگاهها، وسائل نقلیه، و تمام اماکن عمومی مردم بر اساس جنسیت جدا شده اند و زنان حق ورود به بسیاری از اماکن را ندارند؛
- \* تجاوز به دختر بچههای ۹ ساله، طبق قوانین این رژیم نه تنها جرم نیست بلکه تحت عنوان ازدواج اسلامی تشویق و توصیه میشوند؛
- \* زنان حتی از حق انتخاب لباس محروم اند؛
- \* مجازات برقراری رابطه جنسی خارج از ازدواج اعدام و سنگسار است و طی حاکمیت جمهوری اسلامی زنان بشیوه قرون وسطانی سنگسار شدهاند؛

### سرکوب و مقاومت

در ایران آپارتاید جنسی حاکم است و مبارزه علیه آن هر روز جریان دارد. مبارزهای که بشدت سرکوب میشوند. طبق آمارهای خود رژیم، سالانه بیش از یکصد هزار نفر فقط بخاطر عدم رعایت پوشش اجباری حجاب اسلامی بازداشت میشوند. طی حاکمیت جمهوری اسلامی تاکنون صدها زن بخاطر سرپیچی از قوانین ضد زن دستگیر، شکنجه و اعدام شده اند.

### رژیم ایران را باید بخاطر آپارتاید جنسی محکوم کرد:

جمهوری اسلامی ایران را بخاطر حاکم کردن و دخالت دادن مذهب در آموزش و پرورش و زندگی اجتماعی و خصوصی مردم محکوم کنید؛ رژیم ایران را بخاطر سرکوب خونین مبارزه برای برابری حقوق زن و مرد محکوم کنید؛ رژیم ایران را بخاطر قوانین غیر انسانی و جنایتکارانه علیه دختر بچهها محکوم کنید؛ رژیم ایران را بخاطر قوانین قصاص، بخاطر سنگسار زنان و بخاطر همه قوانین ارتجاعی اش علیه زنان محکوم کنید؛

در ایران مقاومتی گسترده و در اشکال مختلف علیه این آپارتاید و کلیت رژیم اسلامی در جریان است. از این مبارزه حمایت کنید. با صدور قطعنامه محکومیت رژیم، با ارسال نامه های اعتراضی به رژیم جمهوری اسلامی و با دفاع از خواستهای حق طلبانه، از حقوق زنان در ایران دفاع کنید.

مردم آزادیخواه ایران مبارزه برای سرنگونی رژیم را گسترش داده اند. در مبارزه برای سرنگونی رژیم سهم شویید.

### تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

همبستگی - فدراسیون بین المللی پناهندگان ایرانی

کمیته بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران

فوریه ۹۹

## نیمروز، اپوزیسیون را سانسور می کند

هفته نامه "نیمروز"، ادعا می کند که یک نشریه همگانی اپوزیسیون است.

چنین نشریه ای، قاعدتا، باید عمدتا منعکس کننده اخبار و نقطه نظرات اپوزیسیون جمهوری اسلامی باشد. اما، این نشریه را ورق بزنید: در حالیکه در ماه های اخیر، نیروهای آزادیخواه در

نادر بکتاش

سکوت کامل اختیار کرده است. در حالیکه دهها و صدها زن مبارز و مترقی مبارزهای بیوقفه را علیه قداره بندان ضد زن جمهوری اسلامی پیش می برند، این نشریه، صفحاتش را در اختیار فائزه رفسنجانی قرار می دهد.

این هفته نامه، در رابطه با اپوزیسیون، تنها در یک مورد استثنا قائل است: سلطنت طلبان و ضد کمونیستها. آنها، آزادی کامل برای اشاعه نقطه نظرات عقب

مانده و ایدئولوژی پوسیده خود دارند.

هر کسی، با مرور چند شماره "نیمروز"، می تواند بفهمد که این نشریه عملا یک ائتلاف اسلامی-سلطنتی با غلظت بالای ضد کمونیستی، است.

تعجبی هم ندارد: لیست روسای پشت پرده این "رسانه همگانی اپوزیسیون" را از نظر بگذرانید. ۸ فوریه ۹۹

فرید پرتوی

## نسل جوان در ایران، ۲۰ سال پس از انقلاب ۵۷

بیست سال پس از انقلاب ۵۷، نسل جوان در ایران عملا میراثدار آرزوهای سرکوب شده و تحقق نیافته نسل پیشین شده است. با این وجود خود را مرعوب جمهوری اسلامی و بدهکار اسلام و آخوند و پاسدار نمیدانند. مگر برای نسل جوانی که در انقلاب پرشکوه ۵۷ لحظهای آرامش نداشت، مهم بود که پدران و مادراشان سرکوبگرهای رژیم پهلوی و کودتاها را از یاد نبرده بودند؟ آنها شاه، سلطنت، ساواک و فقر و بیعدالتی نمیخواستند. دنبال برابری و عدالت و آزادی بودند. جوانان سال ۵۷ خودشان را مرعوب دستگاه مخوف سلطنت پهلوی نمی دانستند. میلیونها نفرشان در کنار مردم کارگر و زحمتکش در ایران انقلاب کردند و به سلطنت در ایران خاتمه دادند. اما خمینی و جریان مرتجع اسلامی با کمک دولتهای سرمایه داری و تبلیغات کر کننده رسانه های غرب بمنظور خفه کردن عدالت جویی و برابری طلبی و آزادیخواهی انقلاب ۵۷ بر سر مردم خراب شدند و انقلابی را که می رفت مردم کارگر و زحمتکش را برای نخستین بار در ابعاد میلیونی در راس بستر اصلی تعیین سرنوشت جامعه قرار دهد به خونین ترین شکل ممکن تار و مار کردند.

"انقلاب اسلامی" ای در ایران بوقوع نپیوست. آنچه رژیم اسلامی، بیست و یک سالگرد انقلاب اسلامی می خواند، برای مردم ایران جز سرکوب اسلامی انقلاب آزادیخواهانه ۵۷ و بیست سال اعدام، ترور، زندان، شکنجه و تعقیب معنایی دیگر ندارد.

### اوضاع اما امروز جور دیگری است

امروز بعد از بیست سال حاکمیت نکبت اسلامی در ایران، شاهد عروج یک نسل جدید و پر قدرت هستیم که در صحنه اجتماعی و سیاسی کشور و در پیشبرد مبارزه مردم و طبقه کارگر با جمهوری اسلامی مکان مهمی یافته است. آنچه امروز نسل جوان در ایران را در صدر تحلیلهای رسانه های بزرگ جهان قرار داده است و جمهوری اسلامی و تمامی جناحها و رسانه هایشان را بشدت نگران کرده است، تنها تفریح خواهی جوانان که آنهم گویا پرزیدنت خاتمی می تواند کارهایی در موردش بکند نیست. نسل جوان ایران به کسی و یا چیزی در حکومت اسلامی توهم ندارد. جوانان در ایران تغییرات بنیادی می خواهند و می دانند چهارچوب جمهوری اسلامی با تغییرات مورد نظرشان جور در نمی آید. جوانان ایران شادی می خواهند. در ایران شادی خواستن یعنی با ذات جمهوری اسلامی و پاسدارانش در افتادن. دختران جوان به همراه تمامی زنان در ایران خواهان آزادی پوشش و حق انتخاب و تصمیم گیری راجع به تمامی امور فردی و اجتماعی خود هستند. اما هیچکس بهتر از زنان در ایران نمیداند که با وجود حاکمیت قران و ولایت مرتجعین اسلامی حتی صحبت از برابری زن و مرد در ایران غیر ممکن است. جوانان در ایران تفریح و معاشرت و معاشرت آزاد می خواهند و کاملا واقفند که بدون جدایی کامل اسلام از دولت و از قوانین اجتماعی، نه به این حقوق ابتدایی انسانی دست خواهند یافت و نه سایه جریمه شلاق از سرشان برداشته خواهد شد. جوانان ایران دستاوردهای مردم کشورهای پیشرفته صنعتی بخصوص در غرب را روزانه دنبال می کنند و هیچ توجیهی برای پذیرش عقب ماندگی تحمیل شده بر خود نمی پذیرند. جوانان که اکثریت شان از طبقه کارگر و زحمتکش جامعه شصت میلیونی ایران هستند، اشتغال، مسکن، تامین معیشت و رفاه و امکانات مدرن اجتماعی می خواهند و خوب میدانند که "میانبرو ترین" و "رفرمیستترین" بخش جمهوری اسلامی و اپوزیسیون قانونی اش کالیبر حتی وعده خشک و خالی دادن برای تامین رفاه مردم را ندارند. جوانان در ایران، بیست سال پس از انقلاب ۵۷ و در آستانه قرن بیست و یکم، نسلی هستند بسیار پرتوقعتر، پرخاشگرتر، شادخواه تر، ضد مذهبتر، مدرن تر، برابری طلبتر و آزادیخواه تر از آنچه بسیاری از ما در سال ۵۷ راجع به خود می پنداشتیم. این نسل برای جمعیت زیادی از ما، که شکست انقلاب ۵۷ را درونی نکرده ایم و آزادی، برابری، سکولاریسم و یک جامعه مرفه تر را برای مردم زیاد نمیدانیم، پیام آور تحولی بنیانی و انقلابی قریبالوقوع است. این عروج یک نسل زیر و رو کننده سی میلیونی است که غرب را نگران کرده و جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است. این آغاز پر شتاب پایان یافتن یک اندوه بیست ساله است.

فوریه ۱۹۹۹

<http://www.wpiran.org>

با مراجعه به صفحه حزب در اینترنت میتوانید آخرین اطلاعیه های حزب و جدیدترین شماره های ایسکرا را ملاحظه کنید. برای خواندن و پرینت کردن اطلاعیه های حزبی به خط و یا برنامه ویژه ای نیاز نیست. برای خواندن و پرینت نشریات به برنامه آکرویات ریدر احتیاج است، این برنامه مجانی است که میتوانید از طریق صفحه حزب در اینترنت هم آنرا تهیه کنید.

### به حزب کمونیست

### کارگری ایران پیوندید

### یک دنیای بهتر را بخوانید!

### آدرسهای تماس و حسابهای بانکی حزب کمونیست کارگری ایران

K.A.K  
Box 29065  
100 52 Stockholm  
Sweden

Postfach 103137  
50471 Köln  
Germany

BM Box 8927  
London WC1N 3XX  
England

W.P.I  
Box 719stn.P  
Toronto, ONT .M5S 2Y4  
Canada

Postgiro: 4492709-3  
K.A.K Box 29065  
100 52 Stockholm  
Sweden

Z.I.KONTO: 17116703  
BLZ: 10090000  
Berliner Volksbank  
Germany

Account No:6722-5007687  
Royal Bank of Canada  
10 Eglinton Ave. E  
Toronto, Ont M4P 2W7  
Canada

E.Mail: [wp@iran1.freemove.co.uk](mailto:wp@iran1.freemove.co.uk)

Fax: (1) 416 515 67 22

### اطلاعیه دفتر روابط عمومی حزب کمونیست کارگری ایران

دفتر روابط عمومی حزب کمونیست کارگری ایران، مسئول تماس حزب با خبرگزاریها، رسانهها، نهادهای اجتماعی و فرهنگی و همچنین شخصیتهای سیاسی است. نهادهای علاقمند میتوانند سئوالات و پرسشهای خود در ارتباط با اهداف، سیاستها، و آکسیونهای حزب کمونیست کارگری ایران را از طریق تماس با این دفتر دریافت دارند.

### به حزب کمونیست کارگری شماره فاکس کمیته داخل حزب

### ایران کمک مالی کنید

۱- ۴۱۶- ۵۱۵- ۳۷۶۹